****

[ادامه بحث اطلاق روایات در شرطیت ذبح در منا 1](#_Toc489372543)

[روایت دهم: معتبره فضل بن یونس 2](#_Toc489372544)

[روایت یازدهم: روایت زراره 2](#_Toc489372545)

[روایت دوازدهم: معتبره اسحاق بن عمار 3](#_Toc489372546)

[نظر مختار در مورد روایات 3](#_Toc489372547)

**موضوع**: ذبح /اعمال منا /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## ادامه بحث اطلاق روایات در شرطیت ذبح در منا

محقق خوئی فرمود در روایات تامة السند، روایتی که اطلاق داشته باشد و حکم به شرطیت ذبح در منی مطلقا کند، نداریم، مثلا صحیحه منصور بن حازم در مقام بیان این نیست که اگر روزی ذبح در منی ممکن نبود، باز هم ذبح منی شرط است، اجماع هم دلیل لبی است و قدر متیقن از آن فرض تمکن از ذبح در منی است، و لذا به اطلاق دلیل وجوب ذبح بر متمتع رجوع می شود، ولو خارج از منی ذبح کند و این که در مناسک فرموده ذبح در مذابح فعلی مجزی است، به این معنا نیست که ذبح باید در مذابح فعلی انجام گیرد، بلکه لازمه فتوای ایشان این است که در حال عجز یا حرج، هر جایی ذبح مجزی باشد.

اما ما عرض کردیم برخی روایات سندا و دلالتا مشکلی ندارد و بر شرطیت مطلقه ذبح در منی دلالت دارد، مثل معتبره عبد الله بن زرارة، روایت ابراهیم کرخی که از جهت دلالی و سندی تام است.

### روایت دهم: معتبره فضل بن یونس

وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ‌ الْفَضْلِ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ عَرَضَ لَهُ سُلْطَانٌ- فَأَخَذَهُ ظَالِماً لَهُ يَوْمَ عَرَفَةَ قَبْلَ أَنْ يُعَرِّفَ- فَبَعَثَ بِهِ إِلَى مَكَّةَ فَحَبَسَهُ- فَلَمَّا كَانَ يَوْمُ النَّحْرِ خَلَّى سَبِيلَهُ كَيْفَ يَصْنَعُ- فَقَالَ يَلْحَقُ فَيَقِفُ بِجَمْعٍ- ثُمَّ يَنْصَرِفُ إِلَى مِنًى فَيَرْمِي وَ يَذْبَحُ وَ يَحْلِقُ وَ لَا شَيْ‌ءَ عَلَيْهِ- قُلْتُ فَإِنْ خَلَّى عَنْهُ يَوْمَ النَّفْرِ كَيْفَ يَصْنَعُ- قَالَ هَذَا مَصْدُودٌ عَنِ الْحَجِّ- إِنْ كَانَ دَخَلَ مُتَمَتِّعاً بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ- فَلْيَطُفْ بِالْبَيْتِ أُسْبُوعاً- ثُمَّ يَسْعَى أُسْبُوعاً وَ يَحْلِقُ رَأْسَهُ وَ يَذْبَحُ شَاةً- فَإِنْ كَانَ مُفْرِداً لِلْحَجِّ فَلَيْسَ عَلَيْهِ ذَبْحٌ وَ لَا شَيْ‌ءَ عَلَيْهِ.[[1]](#footnote-1)

ظاهر روایت این است که در منی این کارها را انجام دهد.

### روایت یازدهم: روایت زراره

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَّهُ قَالَ: فِي الْمُحْرِمِ إِذَا أَصَابَ صَيْداً فَوَجَبَ عَلَيْهِ الْفِدَاءُ فَعَلَيْهِ أَنْ يَنْحَرَهُ إِنْ كَانَ فِي الْحَجِّ بِمِنًى حَيْثُ يَنْحَرُ النَّاسُ فَإِنْ كَانَ فِي عُمْرَةٍ نَحَرَهُ بِمَكَّةَ وَ إِنْ شَاءَ تَرَكَهُ إِلَى أَنْ يَقْدَمَ فَيَشْتَرِيَهُ فَإِنَّهُ يُجْزِئُ عَنْهُ.[[2]](#footnote-2)

حسین بن محمد و محمد بن محمد را توثیق کرده ایم.

### روایت دوازدهم: معتبره اسحاق بن عمار

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ أَنَّ عَبَّاداً الْبَصْرِيَّ جَاءَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع- وَ قَدْ دَخَلَ مَكَّةَ بِعُمْرَةٍ مَبْتُولَةٍ وَ أَهْدَى هَدْياً- فَأَمَرَ بِهِ فَنُحِرَ فِي مَنْزِلِهِ بِمَكَّةَ- فَقَالَ لَهُ عَبَّادٌ نَحَرْتَ الْهَدْيَ فِي مَنْزِلِكَ- وَ تَرَكْتَ أَنْ تَنْحَرَهُ بِفِنَاءِ الْكَعْبَةِ وَ أَنْتَ رَجُلٌ يُؤْخَذُ مِنْكَ- فَقَالَ لَهُ أَ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص نَحَرَ هَدْيَهُ بِمِنًى- فِي الْمَنْحَرِ وَ أَمَرَ النَّاسَ فَنَحَرُوا فِي مَنَازِلِهِمْ- وَ كَانَ ذَلِكَ مُوَسَّعاً عَلَيْهِمْ فَكَذَلِكَ هُوَ مُوَسَّعٌ- عَلَى مَنْ يَنْحَرُ الْهَدْيَ بِمَكَّةَ فِي مَنْزِلِهِ إِذَا كَانَ مُعْتَمِراً.[[3]](#footnote-3)

معلوم می شود حضرت امر فرموده بود که مردم هدی را در منازلشان در منی ذبح کنند.

#### نظر مختار در مورد روایات

ولی به نظر ما این سه روایت اخیره اطلاق ندارد، معتبره اسحاق بن عمار که برای توسعه است و می­فرماید در کل منی، نحر مجاز است و لازم نیست فقط در اطراف مسجد الخیف ذبح کنند و در مقام بیان فرض عجز از ذبح در منی نیست.

در روایت زرارة هم برای صدق حیث ینحر الناس کافی است که مردم در حال اختیار، در آن جا ذبح کنند و قطعا ذبح کفاره در منی که مشروط به اختیار است و گرنه بیرون منی ذبح می شود.

معتبره فضل بن یونس هم در مقام بیان کفایت وقوف اضطراری به مشعر است، اما در مقام بیان فرض عجز و حرج نیست.

لذا ما از میان این روایات، اطلاق چهار روایت معتبره را احراز کردیم، معتبره عبد الله بن زرارة و صحیحه منصور بن حازم و روایت ابراهیم کرخی و روایت عبد الاعلی.

اما بر این چهار روایت، اشکال عامی وارد شده است، زیرا گفته می شود اطلاق در این روایات همچون دیگر اطلاقات، متفرع بر امکان عرفی تقیید است، در حالی که در زمان ائمه علیهم السلام قطعا ذبح در منی ممکن بوده است، و اصلا فرض عجز و حرج جز در 40 سال اخیر که کشتارگاه ها را از منی به بیرون منتقل کرده اند، مطرح نبوده است، لذا امکان عرفی تقیید نبوده که از عدم تقیید، به اطلاق پی ببریم.

اگر این اشکال تمام باشد، مختص به این بحث نخواهد بود و در بسیاری از مسائل جدید نیز مطرح خواهد شد، مثل این که در زمان شارع، سفر متعارف با چهارپا بوده و نه وسائل جدید، پس باید این اشکال مطرح شود که روایاتی که می گوید حد تقصیر هشت فرسخ است، نسبت به زمان ما اطلاق ندارد و فقط شامل فرضی می شود که سیر متعارف یک روز برای قافله ها، هشت فرسخ بوده است.

یا مثلا باید بگوییم اوفوا بالعقود و تجارة عن تراض نسبت به خرید و فروش های مستحدث اطلاق ندارد، زیرا در آن زمان عرفا امکان تقیید نبوده است و عرفی نبوده که در آن زمان گفته شود اوفوا بالعقود الا عقد التامین.

بله، اگر امکان تقیید به بیان عرفی دیگری وجود داشته باشد، مانعی از اخذ به اطلاق نیست.

ان قلت: این بیانات شرعی نمی تواند فقط به عصر حضور حضرات ائمه علیهم السلام ناظر باشد و در عصر غیبت مردم متحیر باشند، و گرنه لازمه اش اهمال بیان وظیفه مومنین در عصر غیبت است، پس باید بگوییم اطلاق دارد، ولو از باب ظهور نباشد، بلکه مقتضای اصل تعبدی این باشد که به خطابات عمل کنیم، ولو کاشفیت از مراد جدی مولا نداشته باشد.

قلت: در عمده احکام، احتمال خصوصیت نمی رود، مثل حرمت دروغ که فرق نمی کند اینترنتی باشد یا غیر اینترنتی، مشکل در احکامی است که عرف، احتمال خصوصیت می دهد، مثل روایاتی که حکم به حرمت شطرنج کرده که اطلاق آن نسبت به شطرنج یک نفره با کامپیوتر دچار همین اشکال است، چون احتمال خصوصیت می رود، زیرا قمار سبب بغضاء بین مردم می شد، اما شطرنج یک نفره که این مشکل را ندارد و لذا ممکن است گفته شود اصل برائت از حرمت لعب به شطرنج به این شکل جاری می شود.

البته این اشکال قوی، در خصوص مقام قابل جواب است، زیرا امکان تقیید حکم به وجوب ذبح در منی به فرض امکان و عدم حرج بوده است، اگر چنین تقییدی می خورد، در آن زمان به ذهن مردم، عجز و عذر شخصی می آمد و امروزه مصداق جدیدی پیدا می کند که عذر عام است.

 البته این شبهه وجود دارد که شاید شارع بین عذر خاص و عذر عام، فرق گذاشته باشد، اگر عذر خاص وجود داشته باشد، شرطیت ذبح در منی ساقط نشود، و گرنه بایستی تقیید به فرض عجز می زدند، اما اگر عذر عام وجود داشته باشد، شرطیت ذبح در منی ساقط شود و بنا بر این احتمال، اشکال دوباره زنده می­شود.

1. [وسائل الشيعة؛ ج‌13؛ 184؛ 3 باب أن من أحصر فبعث هديه ثم خف مرضه وجب عليه الالتحاق إن ظن إمكانه فإن أدرك النسك و إلا وجب عليه التحلل بعمرة و قضاء النسك إن كان واجبا فإن مات فمن ماله و كذا من صد ثم زال عذره ؛ ج 13، ص : 183](http://lib.eshia.ir/11025/13/184) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشيعة؛ ج‌13؛ 98؛ 51 باب استحباب شراء المحرم فداء الصيد من حيث يصيبه و جواز تأخير الشراء حتى يقدم مكة أو منى ؛ ج 13، ص : 98](http://lib.eshia.ir/11025/13/98) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشيعة؛ ج‌13؛ 99؛ 52 باب أن من وجب عليه النحر أو الذبح بمكة جاز له ذلك في أي موضع شاء منها و كذا ما وجب بمنى ؛ ج 13، ص : 99](http://lib.eshia.ir/11025/13/99) [↑](#footnote-ref-3)